

نظام ملی کسب و کار و عضویت در سازمان جهانی تجارت مطالعه موردی: کشور چین

مسعود کمالی اردکانی

عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
m.kamali@itsr.ir

اقتصاددانان حاوی مزایایی برای اقتصاد کشور خواهد بود. افزایش رفاه مصرف کننده از طریق ادغام در نظام تجارت آزاد با توجه به استانداردهای پایین زندگی در ایران و رکود اقتصادی، دسترسی به واردات آزادتر و بازارهای وسیع تر صادراتی از طریق بهره برداری بهتر از مزیت های نسبی کشور و از آن طریق تخصیص بهتر منابع و بالاخره افزایش کارایی اقتصاد و پیشرفت بلندمدت در رشد اقتصادی ایران از جمله منافع "ایستای" تجارت بین المللی هستند که از طریق مبادله کالا و تخصص گرایی حاصل می گردند. [۱]

از سوی دیگر، منافع به اصطلاح "پویای" عضویت در سازمان جهانی تجارت را می توان در احتمال افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در اثر تجارت آزادتر (داخلی و خارجی) ناشی از جذب فناوریهای جدیدتر، یادگیری شیوه های مدیریتی پیشرفته تر و بالاخره تولید محصولات با کیفیت تر پیش بینی نمود. این موضوع در بلندمدت به تخصیص بهتر منابع، رشد اقتصادی بالاتر و ارتقای سطح زندگی مردم در داخل کشور می انجامد. با افزایش آهنگ

تجارت بین الملل / سازمان جهانی تجارت / الحاق / فضای

کسب و کار / رقابت پذیری

چکیده

بررسی عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت با در نظر گرفتن شرایط رقابت پذیری بنگاه های ایرانی موضوع این مقاله است. تجربه کشورهای موفق عضو سازمان جهانی تجارت نشان می دهد تقویت بنیانهای اقتصادی از طریق اصلاحات داخلی، شرط لازم برای ورود به این سازمان و بهره گیری از منافع و مزایای عضویت است. این مقاله پیشنهاد می کند سیاستگذاران کلان کشور، عضویت در سازمان جهانی تجارت را با هدف بهبود نظام کسب و کار و در جهت افزایش رقابت پذیری بنگاه های اقتصادی کشور پیگیری نمایند.

۱. اصلاحات داخلی در مسیر عضویت

عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت به اعتقاد بسیاری از

رشد اقتصادی، اقتصاد کشور به تدریج قادر به جذب سطح بالاتری از سرمایه‌های خارجی خواهد بود که همین امر افزایش تخصیص منابع و رشد اقتصادی بیشتری را به همراه خواهد داشت. به علاوه، بدلیل خصلت طولانی و همراه با اصلاحات تدریجی فرآیند مذاکرات دو جانبه و چندجانبه عضویت ایران (و کشورهای متقاضی الحاق) به سازمان جهانی تجارت، اصلاحات داخلی در اقتصاد کشور تسریع خواهد شد. به عنوان نمونه، اقتصاد کشور در مسیر عضویت مجبور به اصلاح قوانین، مقررات و شیوه اجرای رویه‌هایی چون حمایت از مالکیت فکری، یارانه بنگاه‌های دولتی و حتی فرآیندهای خصوصی‌سازی خواهد شد. به بیان دیگر نیاز انکای اقتصاد کشور به یک چارچوب بین‌المللی، به ایران اجازه خواهد داد تغییراتی در عرصه داخلی بنا نهاده و پوششی سیاسی برای تصمیمات ناخوشایند اقتصادی فراهم نماید. [۲]

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که الحاق به سازمان جهانی تجارت مستلزم تغییرات گسترده‌ای است و با توجه به بسته بودن اقتصاد ایران، بسیاری از تغییرات قابل پیش‌بینی نیست. در حقیقت ورود به سازمان جهانی تجارت صرفاً کاهش یا حذف تعرفه‌های واردات تاثیرگذار در صنایع خاص نیست، بلکه تغییرات عمیق‌تری را در اقتصاد ایران به همراه خواهد داشت که نگرانی‌هایی را در پی دارد. نگرانی نسبت به حضور شرکت‌های چندملیتی، وابستگی به واردات ارزان‌تر در بخش کشاورزی، گشایش بازار به روی عرضه‌کنندگان خارجی در حوزه‌های خدمات مالی و بانکی، مخابرات، بیمه و انرژی و ناتوانی شرکت‌های ایرانی در رقابت با رقبای بین‌المللی به شدت وجود دارد. اما شاید نگرانی که کمتر بدان توجه شده آن باشد که انجام شتاب زده مذاکرات الحاق به این سازمان و پذیرش بدون مطالعه تعهدات می‌تواند رقابت بین‌المللی صنعت ایران را در بلندمدت دچار چالش‌های جدی نماید. اگر چه از لحاظ نظری، تجارت بین‌المللی به تخصص مبتنی بر مزیت نسبی می‌انجامد و بر همین اساس گشودن مرزها برای کشورها سودآور است، اما این نظریه بر این فرض بنا نهاده شده که مزیت‌های نسبی ثابت و مشروطند. این در حالی است که این نظریه امکان ایجاد تغییر در مزیت‌نسبی با تلاش آگاهانه کشور در گذر زمان را در برنمی‌گیرد. ورود به سازمان

جهانی تجارت تصمیم سرنوشت‌سازی است که می‌بایست به آن توجه جدی نمود چرا که می‌تواند تاثیر مهمی بر رقابت‌پذیری بنگاه‌های کشور در بلندمدت و در بخش‌های مختلف داشته باشد. این واقعیتی است که سیاست‌گذاران ایرانی بایستی همواره آن را در طی فرآیند مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت مدنظر داشته باشند.

۲. مفهوم رقابت‌پذیری بین‌المللی

رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی مهمترین چالش کشور متقاضی عضویت در سازمان جهانی تجارت است. رقابت‌پذیری یک کشور به میزان بهره‌وری بلندمدت آن کشور از منابع طبیعی خدادادی، نیروی انسانی و سرمایه بستگی دارد. بهره‌وری بالاتر می‌تواند منجر به رشد پایدار دستمزدها، رشد اشتغال و افزایش سطح زندگی مردم منجر شود. آبادانی و پیشرفتی که منبعث از منابع طبیعی خدادادی باشد پیشرفتی محدود و مقطعی است و منجر به تخصیص غیر بهینه منابع و سیاست‌های نادرست اقتصادی ناشی از دخالت بی‌مورد دولت می‌گردد. حال آنکه آبادانی و پیشرفتی که از تولید کالا و خدمات از طریق افزایش بهره‌وری ایجاد می‌شود پیشرفتی نامحدود و پایدار بوده و نقش دولت نقش راهبر و بخش خصوصی بزرگترین بازیگر عرصه اقتصاد است.

به علاوه، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب از جمله سیاست‌های پولی و مالی دقیق، نهادهای سیاسی کارا و سیاست‌های توسعه انسانی مناسب در سطح کلان برای افزایش رقابت‌پذیری یک کشور لازم است. در واقع توجه به توسعه اقتصادی و اجتماعی هر دو لازم است لذا افزایش رقابت‌پذیری یک کشور مستلزم توسعه توانان شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی است.

همچنین در سطح خرد، اتخاذ سیاست‌های صنعتی و تجاری بهبوددهنده فضای کسب‌وکار در سطح ملی، صنعت و بنگاه از عوامل مهم در افزایش رقابت‌پذیری است. بهبود فضای کسب‌وکار در سطح ملی بطوریکه منجر به افزایش بهره‌وری و سطح نوآوری بنگاه شود، مدیریت صنعتی با ایجاد خوشه‌های صنعتی و همچنین بهبود روش‌های مدیریت و تولید، مهارت‌های داخلی و توانمندی

بنگاه در سطح بنگاه که بتواند او رابه بالاترین سطح بهره‌وری برساند از جمله این عوامل هستند. [۳]

بر اساس آخرین ارزیابی ها، سنگاپور به‌عنوان یک کشور شرقی(رتبه دوم) و ایالات متحده امریکا به‌عنوان یک کشور غربی(رتبه پنجم) از رقابت پذیرترین کشورهای دنیا محسوب می‌شوند. [۴] تاریخ و پیشینه این دو کشور بسیار متفاوت است. ایالات متحده به عنوان یک کشور بزرگ با منابع طبیعی عظیم و سنگاپور جزیره‌ای است کوچک در جنوب شرق آسیا که منابع طبیعی قابل توجهی نداشته و تاریخ آن به عنوان یک کشور، از زمان استقلال از حاکمیت استعماری انگلستان، از پنجاه سال تجاوز نمی‌کند. با وجود چنین تفاوت‌های گسترده در میان کشورها، نیل به الگوی واحد برای رقابت‌پذیری بین‌المللی بسیار دشوار است.

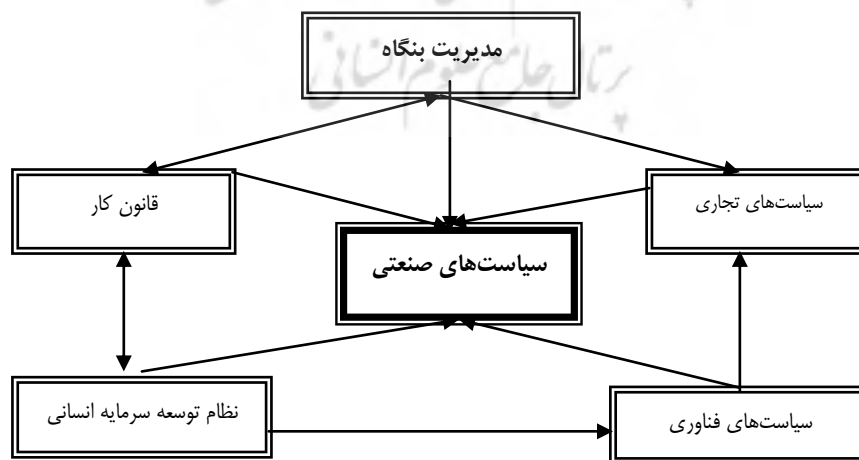
۳. نظام ملی کسب و کار

در سال‌های اخیر یک مکتب فکری اقتصادی- جامعه شناختی به وجود آمده که معتقد است فرصت‌های رقابتی پیش روی بنگاه‌های یک کشور را منحصراً نظام کسب و کار آن کشور تعیین می‌کند. نظامی که از تعامل چندین عامل مهم شکل گرفته و بسیاری از این عوامل سازمانی بوده و برخی گزینه‌های سیاستی هستند که به‌عنوان عوامل کلیدی، در گذر زمان رقابت‌پذیری بین‌المللی را تقویت می‌کنند. مجموع این عوامل نظام ملی کسب و کار [۵] را تشکیل می‌دهند. نظام ملی کسب و کار در هر

کشور متفاوت از دیگری است چرا که نظام‌های ملی کسب و کار ریشه عمیق در فرهنگ، تاریخ و نهادهای سیاسی هر کشور دارند. از آنجا که نهادها(سازمان) نقشی اساسی در زمینه توسعه اقتصادی کشورها و همچنین گزینه‌های راهبردی آنان در سطح بنگاه‌ها ایفا می‌کنند نیل به رقابت‌پذیری بین‌المللی از طریق سازوکارهای سیاستی و سازمانی منطقی به نظر می‌رسد. [۶]

براساس این مکتب فکری، ترتیبات نهادی و مکانیزم‌های سیاستگذاری مهمی پیشنهاد می‌گردد که برای درک نظام کسب و کار کشورها ضروری است. راهبری شرکت [۷]، راهبری نیروی کار [۸]، نظام توسعه سرمایه انسانی، سیاست تجاری، سیاست فناوری و سیاست صنعتی عوامل اصلی شکل‌دهنده این نظام بشمار می‌روند. سه عامل اول ترتیبات نهادی هستند که غیر مستقیم تحت نفوذ دولت بوده و سه عامل بعدی سازوکارهای سیاستی هستند که عمدتاً به‌طور مستقیم تحت کنترل سیاست‌گذاران می‌باشند. این عوامل نهادی و سیاست‌ها با تعامل و تاثیر پذیری متقابل می‌توانند منجر به ایجاد یک نظام ملی کسب و کار بالنده گردند. (نمودار یک)

بسیاری از کشورهایی که اخیراً در حال صنعتی شدن هستند، اقداماتی برای شکل‌دهی این عوامل در جهت تسهیل رقابت‌پذیری بنگاه‌هایشان انجام داده‌اند. در زیر متغیرهای مزبور که شکل‌دهنده نظام کسب و کار کشورها است توضیح داده خواهد شد.



Source: Richard Whitley (2007)

نمودار ۱- چارچوب نظام کسب و کار در سطح ملی

توسعه سرمایه انسانی در سطوح مختلف از طریق آموزش رسمی، برنامه‌های حرفه‌ای (شغلی)، برنامه‌های آموزش در محل کار حاصل می‌شود. برای ارزیابی پیشرفت سرمایه انسانی می‌بایست به ساختارها و نظام‌ها همچنین ارزش‌ها و برنامه‌های آموزشی توجه کرد. به عبارت دیگر، نظام توسعه سرمایه انسانی می‌بایست مساله‌ای ورای نظام آموزش و پرورش یک کشور باشد. توسعه سرمایه انسانی نظام بهداشتی یک کشور را نیز شامل می‌شود. توسعه سرمایه انسانی یک کشور نهادهای آموزشی و بازارهای نیروی کار را به یکدیگر پیوند داده و شیوه‌های راهبری بنگاه و نیروی کار را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب نظام توسعه سرمایه انسانی با تکیه بر توانایی و کیفیت نیروی کار یک کشور رقابت‌پذیری آن کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. [۹]

راهبری نیروی کار که به شدت تحت تاثیر نظام‌های سرمایه انسانی کشورهاست و گرایش به انتقال ارزش‌های آن کشور دارد در هر کشوری متفاوت از دیگری است. راهبری نیروی کار هم رابطه نیروی کار و مدیریت و هم شیوه‌های مدیریتی یک کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. تفاوت شیوه‌های روابط نیروی کار در سطح ملی، تاثیر مهم و ویژه‌ای بر بهره‌وری و رقابت‌پذیری بین‌المللی ملت‌ها دارد.

موضوعات سیاست تجاری تا اندازه‌ای به‌طور موشکافانه تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و غیره را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر حمایت از بخش تجاری، سازوکارهای نظارتی مبادله ارز و پول، سیاست نرخ ارز و سیاست‌های افزایش صادرات، سیاست‌های اقتصادی و تجارت خارجی؛ چارچوب مفهومی و اجرای سیاست‌های موثر بر تجارت کالا و خدمات؛ سیاست‌های موثر بر تجارت کالا؛ جنبه‌های تجاری رژیم مالکیت فکری؛ جنبه‌های تجاری رژیم خدمات؛ و مبنای سازمانی برای تجارت و روابط اقتصادی با کشورهای ثالث بیانگر سیاست‌های تجاری می‌باشند. به‌علاوه سیاست تجاری بردیگر واقعیت‌های نهادی چون روابط درون شرکتی، قوانین ضدانحصار و اعمال این قوانین، اداره شرکت و ارتباط دولت و فعالیت تجاری نیز حاکم است. [۱۰]

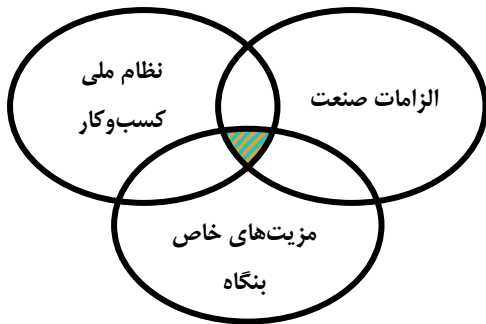
سیاست‌های فناوری رابطه‌ای تنگاتنگ با سیاست‌های صنعتی

و تجاری دارد. بسیاری از کشورها سیاست‌های ارتقای فناوری در سطح کلان را به منظور کارآمدی آن اتخاذ کرده‌اند، که از آن جمله تامین بودجه تحقیق و توسعه دانشگاه (ایالات متحده امریکا) تحقیق و توسعه تعاونی صنعتی (ژاپن) و یا حمایت از ابتکار و نوآوری (امریکا) را می‌توان نام برد. در سطح خرد نیز سیاست‌های مالکیت فکری، نظام‌ها و شیوه‌های اجرا و همچنین قوانین و مقررات واردات فناوری، سیاست‌هایی با سمت و سوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و قوانین ضدانحصار و اعمال آنها بر سیاست‌های فناوری و مسیر توسعه فناوری تاثیر گذارند.

سیاست‌های صنعتی در عین حال که می‌توانند روشن و شفاف باشند می‌توانند مبهم ضمنی باشند. سیاست‌های صنعتی همواره نتیجه تعامل میان پنج مولفه دیگر نظام ملی کسب‌وکار بوده‌اند، چنانکه شکل شماره یک بدان اشاره دارد. درک و اجرای سیاست‌های صنعتی روشن و شفاف امری دشوار است، با این همه چنین سیاست‌هایی به طرق مختلف بر رفتار رقابتی تاثیر گذارند. سیاست‌های صنعتی روشن، کشور را قادر می‌سازد تا صنایع و بخش‌ها را با افق دید بلندمدت‌تری هدف قرار داده و تا رفع موانع ورود و جابجایی منابع تولید ضرر و زیان‌های اولیه را متحمل شود و به دنبال پیمان‌های باصرفه به‌ویژه برای انتقال فناوری و ایجاد برخی اصلاحات در زمینه محیط‌های درحال تغییر رقابتی باشد. در زیر سعی خواهد شد تا به پیامدهای به‌کارگیری دیدگاه نظام ملی کسب‌وکار برای درک بهتر از ایجاد رقابت بین‌المللی در سطح ملی پرداخته شود.

۳-۱. دورنمای دیدگاه نظام ملی کسب‌وکار

درک چارچوب مفهومی نظام ملی کسب‌وکار برای کشورهای ایران که به‌دنبال الحاق به نظام اقتصاد جهانی از طریق عضویت در نهادهایی چون سازمان جهانی تجارت می‌باشند، حاوی درس‌های مهمی است. نظام ملی کسب‌وکار نظامی یکپارچه و به هم پیوسته است که از چندین نظام فرعی تشکیل شده است. با توسعه نظام ملی کسب‌وکار در گذر زمان، دولت‌ها می‌توانند بر جهت و سرعت تکامل تدریجی آن تاثیرگذار باشند. در گذشته بسیاری از دولت‌ها از قدرت خود برای تاثیرگذاری بر نظام ملی



نمودار ۲- چگونگی تاثیر نظام ملی کسب و کار بر گزینه‌های رقابتی در سطح بنگاه‌ها

اینکه چشم‌انداز نظام کسب و کار در سطح ملی می‌تواند در زمینه تدوین سیاست‌های کمک به تقویت رقابت‌پذیری بین‌المللی راهگشا باشد، صرفاً اولین گام است. اما سوال بعدی آن است که در این چارچوب، ایران از تجربه دیگر کشورها در خصوص ادغام در نظام اقتصاد جهانی چه درسهایی می‌تواند بگیرد؟

۴. مروری بر رویکرد دولت چین در مدیریت فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت

اگر ایجاد یک نظام کسب و کار در سطح ملی رقابت‌پذیر و عملی برای رقابت‌پذیری یک کشور در طولانی مدت حیاتی است، چگونه ایران می‌تواند قبل از آنکه در معرض دشواری‌های رژیم تجاری آزادتر در چارچوب سازمان جهانی تجارت قرار گیرد، تدارک چنین انتقالی را ببیند. ورود چین به سازمان جهانی تجارت درس‌های آموزنده‌ای به همراه دارد. به‌طور خلاصه، دخالت دولت در ایجاد محیطی مناسب برای بنگاه‌های کشور، راهبرد ملموس این کشورها حتی در سال‌های اخیر بوده است. تجربه کشورهای توسعه‌یافته‌ای چون آمریکا و انگلیس نشان می‌دهد هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که از طریق تجارت کاملاً آزاد و یا اعمال محدودیت‌های خارجی رقابت‌پذیری بین‌المللی را ایجاد کرده باشد. چین فرآیند اصلاح اقتصاد خود را همزمان با اصلاحات داخلی دنگ شیا او پینگ در سال ۱۹۷۸ آغاز کرد. چین ابتدا در ژوئیه سال ۱۹۸۶ بر سر عضویت در گات وارد مذاکره شد. پس از گذشت هفت سال گروه کاری مذاکرات عضویت این کشور در گات اعلام

کسب و کار بهره می‌گرفتند تا به بنگاه‌هایشان کمک کنند در سطح بین‌الملل وجهه رقابتی بیابند. برخی از دولت‌ها آشکارا و برخی به صورت پنهانی تاثیرگذار بوده اند. کشورهای موفق تر، نظام‌های کسب و کار خود را به شیوه‌ای منسجم‌تر اصلاح کرده اند.

مولفه‌های فرعی نظام ملی کسب و کار در اثر تحول بلندمدت نیروی کار و راهبری بنگاه و یا احکام دولتی در زمینه سیاست‌های فناوری و تجاری به وجود می‌آیند. به‌عنوان مثال زمانی که مارگارت تاچر نخست وزیر انگلستان در سال ۱۹۷۹ به قدرت رسید تغییرات بنیادینی در سیاست‌های صنعتی، فناوری و تجاری را دستورکار خود قرار داد. گرچه به طرز چشم‌گیری در ارائه اصلاحات در حوزه‌های سیاست‌گذاری موفق بود، اما تلاشی برای تغییر شیوه‌های اداره بنگاه‌ها نکرد و تلاش وی برای دگرگونی نهادهای سرمایه انسانی خیلی موفق نبود. بسیاری از ناظران علت ضعف انگلستان در رقابت‌پذیری بین‌المللی را در ضعف نظام سرمایه انسانی بیان می‌کنند. [۱۱]

به این ترتیب با تغییر در نظام ملی کسب و کار می‌توان به توسعه رقابت‌پذیری بنگاه‌های کشور کمک کرد. نمونه بارز این ادعا عملکرد ژاپن پس از جنگ جهانی دوم است که به صورتی سیستماتیک از طریق اعمال سیاست‌های تجاری حمایت‌گرا، خلق فناوریهای نو با بودجه دولتی و معرفی شیوه‌های جدید اداره بنگاه برای ایجاد یک نظام ملی کسب و کار بالنده مداخله کرد که این امر راه را برای بروز شرکت‌های رقابت‌پذیر بین‌المللی در بسیاری بخش‌ها هموار ساخت. [۱۲] جالب است که کشورهای دیگری چون کره، برزیل، هند و فرانسه نیز برای کمک به بنگاه‌های خود از طریق ایجاد نظام حمایتی کسب و کار در سطح ملی، اقدام به مداخله نموده اند. به این طریق نظام ملی کسب و کار، بنگاه‌هایی را مفروض می‌دارد که در عرصه بین‌الملل، در فصل مشترک نظام ملی کسب و کار، الزامات صنعت و مزیت‌های خاص بنگاه عمل می‌کنند. (نمودار دو)

با آشنا شدن با نظام ملی کسب و کار معلوم می‌شود که چگونه راهبردهای در سطح بنگاه تحت‌الشعاع عوامل موثر در سطح ملی می‌باشند و بنابراین نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران باید همواره تاثیر اقدامات خود بر رقابت‌پذیری بنگاه‌ها را در نظر داشته باشند.

کرد که به هیچ توافقی نرسیده‌اند. در سال ۱۹۹۵ به عنوان عضو ناظر در سازمان جهانی تجارت حضور یافت و مذاکرات خود را برای ورود به این سازمان آغاز کرد. چین یک سال پس از نهایی نمودن توافقات دوجانبه خود با طرف‌های تجاری عضو سازمان جهانی تجارت، در سال ۲۰۰۱ رسماً عضو این سازمان شد. این مذاکرات به‌طور رسمی با مذاکرات دوجانبه میان چین از یک طرف و دیگر شرکای تجاری از جمله اتحادیه اروپا و ایالات متحده از طرف دیگر پانزده سال به طول انجامید. [۱۳] چین در فاصله این سال‌ها اصلاحاتی را مطرح کرد که بسیاری از آنان زیر شاخه مولفه‌های مختلف نظام ملی کسب‌وکار هستند. تجربه اصلاحات اقتصادی چین در خلال مذاکرات عضویت در سازمان جهانی تجارت برای کشورهایی همچون ایران که در فرآیند عضویت در این سازمان قرار دارند حاوی نکات مهمی به شرح زیر است:

- گشایش سرمایه‌گذاری خارجی در حین اصلاحات و قبل از آزادسازی تجاری.
- اتخاذ سیاست‌های تجاری آزادانه‌تر پس از اصلاحات نهادی لازم برای ایجاد زیر ساختهای نظام ملی کسب‌وکار.
- استفاده از فرآیند طولانی مذاکرات به عنوان مجالی برای هماهنگی در ایجاد یک ساختار نظام ملی کسب‌وکار توانمند.
- استفاده از دوره زمانی انتقالی در مذاکرات برای ایجاد سازگاری تدریجی اقتصاد خود در مواجهه با نظام اقتصاد بین‌الملل و توسعه نظام کسب‌وکار در سطح ملی.
- همچنین در بررسی رویکرد دولت چین به مذاکرات عضویت در سازمان جهانی تجارت دو نکته حائز اهمیت است. مذاکرات طولانی و چگونگی بهره‌گیری از این فرصت برای اصلاحات داخلی کشور. این مذاکرات در سال ۱۹۸۷ و با تقاضای چین برای الحاق به گات آغاز شد اما عجله‌ای برای پایان آن از خود نشان نداد. حتی دور اول تلاش‌ها برای الحاق به گات با شکست مواجه شد. در اثنای همین مذاکرات بود که چین دانست ورودش به نظام اقتصاد جهانی چگونه میسر است. این بینش به اقدامات بعدی چین برای تقویت نظام ملی کسب‌وکار کمک کرد. شاهد این مدعا اقدام

چین در حمایت از مالکیت فکری است که صرفاً پس از گذشت مدت زمان قابل توجه اجازه داد در وهله اول دسترسی به فناوری خارجی بدون محدودیت باشد. حتی پس از آن نیز چین از حرکت جدی در زمینه اجرای تصمیمات اجتناب کرد، تا اجازه دهد بنگاه‌ها به فناوری خارجی ارزاتر دسترسی داشته باشند.

درخصوص نحوه بهره‌گیری سیاست‌گذاران چینی از دوره مذاکرات طولانی مدت برای سازمان‌دهی اصلاحات نظام ملی کسب‌وکار برخی ویژگی‌های قابل توجه آن است که چگونه اقدامات چین در خصوص مولفه‌های نظام ملی کسب‌وکار، سیاست صنعتی، سیاست فناوری، سیاست تجاری و ... بر تقویت بنگاه‌های نوپیداد و به‌سازی رقابت‌پذیری بنگاه‌های تجاری دولتی تأثیرگذار بوده است. به‌علاوه اقدامات اصلاحی با دقت و در توالی زمانی مناسب تنظیم شده بودند (جدول شماره یک). به عنوان مثال بنگاه‌های خارجی را به کشور دعوت می‌کردند تا برتری فناوری آنان را نسبت به موسسات داخلی که بعداً مجبور به رقابت با یکدیگر می‌شدند، نشان دهند. ترغیب بنگاه‌های تجاری روستایی و شهرهای کوچک، اجازه فعالیت کارآفرینان برای ایجاد زیربنای رشد بنگاه‌های جدید در آینده را می‌داد. جالب است که چنانکه انتظار آن می‌رفت، ایجاد تغییرات در یکی از مولفه‌های نظام ملی کسب‌وکار به تقویت و تغییرات مثبت در دیگر مولفه‌ها می‌انجامید. برای نمونه با ایجاد بنگاه‌های تجاری روستایی و شهرهای کوچک و امکان دسترسی بنگاه‌های تجاری دولتی به فناوری‌های خارجی و شیوه‌های عمل آنان، کیفیت سرمایه انسانی در دسترس داخل چین افزایش یافته و فرصت‌های سیاست‌گذاران در زمینه ارائه اصلاحات جدید تقویت شد. به‌علاوه چین نیز برای ارتقای درجه سرمایه انسانی خود با افزایش سواد دانشگاهی و ایجاد نظام تحصیلات دانشگاهی شایسته سالار، بسیار نظام مند عمل کرده است. [۱۴]

دولت چین همچنین میان بنگاه‌های محلی رقابت شدید ایجاد کرد و آنها را با افزایش صادرات به سوی بازارهای خارجی هدایت و دسترسی آنها به فناوری و بودجه را به ارتقای نظام‌مند مهارت‌ها و توانایی‌ها مشروط کرد. همچنین موجبات بهسازی فناوری از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم کاملاً کنترل شده خارجی را فراهم

آورد و با کمک به برخی بخش‌ها، جایگاه اقتصادی محلی قوی را شکل داد.

توجه‌کننده چگونه این سیاست‌ها به جنبه‌های مختلف چهارچوب نظام ملی کسب‌وکار چون راهبری (افزایش رقابت) سیاست تجاری (افزایش صادرات)، بازارهای سرمایه (دسترسی به بودجه)، سیاست فناوری (صدور امتیاز و دسترسی به فناوری)، سیاست صنعتی (تعیین بخش‌ها و نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی)، توسعه سرمایه انسانی (یارانه‌های آموزش و افزایش نیروی کار)

مرتبط بوده و حتی در سطحی بالاتر، چگونه همه این سیاست‌ها پیش از آنکه بنگاه‌ها در معرض دشواری‌های تجارت آزاد بین‌المللی قرار گیرند، یکی پس از دیگری به ایجاد تاسیسات زیربنایی اقتصادی قوی کمک می‌کنند. دنباله روی کورکورانه ایران از کشور چین توصیه نمی‌شود. اما باید در نظر داشت که اتخاذ دیدگاه نظام یافته و آگاهانه برای ایجاد نظام تجاری رقابت‌پذیر ملی امری ضروری است.

جدول ۱- نظام ملی کسب‌وکار چین در دوران اصلاحات و در طی فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت

دوره زمانی	سیاست تجاری	سیاست صنعتی	سیاست فناوری	راهبری نیروی کار/ بنگاه
۱۹۷۸-۱۹۸۳ آغاز دوران اصلاحات اقتصادی چین	ایجاد مناطق آزاد ساحلی و دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی و ورود فناوری خارجی	اصلاح بخش کشاورزی و ایجاد اعتماد در بین مردم چین درخصوص آینده اقتصاد	-	اصلاح شرکت‌های دولتی و معرفی روش‌های حفظ سود و اجازه زمینه ارتقای مدیران میانی و ایجاد مشوق‌هایی برای بهره‌وری بهتر
	عضویت چین در صندوق بین‌المللی پول	حمایت از ایجاد مؤسسات گروهی و اشتراکی و اجازه فعالیت در صنایع علاوه بر کشاورزی	-	-
	انعقاد موافقتنامه دوجانبه تجاری چین با آمریکا به‌عنوان مقدمه‌ای برای باز شدن اقتصاد کشور	-	-	-
۱۹۸۴-۱۹۸۸	عضویت ناظر چین در گات و آغاز تعامل با نظام تجارت جهانی و کسب تجربه و آموزش	-	-	-
	انتخاب رویکرد قیمت‌گذاری دوگانه برای تشویق شرکت‌های خصوصی	-	-	رفع محدودیت‌های سهمیه‌ای از شرکت‌های دولتی و ایجاد استقلال بیشتر برای این شرکت‌ها از طریق نظام مسئولیت ناشی از قرارداد. اجازه فروش بیش از محدودیت‌های سهمیه‌ای به عنوان مشوق بیشتر برای ارتقای بهره‌وری
۱۹۹۲	اقدام چین برای عضویت در گات و تشکیل گروه کاری عضویت چین از سوی گات	-	-	تصمیم درخصوص اعطای اعتبار و سرمایه در سطح مناطق مختلف به منظور رشد و توسعه بیشتر کسب‌وکارهای کوچک
	-	-	اصلاح قانون مالکیت فکری چین درست در زمانی که بنگاه‌های	-

دوره زمانی	سیاست تجاری	سیاست صنعتی	سیاست فناوری	راهبری نیروی کار / بنگاه
			خارجی فروشگاه‌هایی را در چین تأسیس کرده بودند و چینی‌ها می‌خواستند به خارجی‌ها نشان دهند از مالکیت فکری آنان حمایت خواهند کرد.	
۱۹۹۳	پایان دوره زمانی استفاده از قیمت‌های دوگانه برای بسیاری از صنایع. این امر موجب تقویت رقابت میان شرکت‌های دولتی و تجاری‌های کوچک شد و نشانه‌ای مثبت برای بنگاه‌های خارجی بود.	-	-	شرکت‌های دولتی تعدیل نیروی کار را افزایش دادند. اکنون شرکت‌های دولتی رقابتی شده‌اند و مدیران به منحنی یادگیری رسیده‌اند. این امر بیشتر منجر به افزایش بهره‌وری و تبدیل این شرکت‌ها به شرکت‌های مدرن شد.
۱۹۹۴	کاهش به‌طور متوسط ۵۰ درصدی تعرفه‌های چین	-	-	-
۱۹۹۵	اصلاح عمده در سیاست‌های مالیاتی و مالی که عمدتاً منطبق با رویه‌های بین‌المللی بودند.	آغاز خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی	الحاق چین به معاهده همکاری‌های حق اختراع	-
	کاهش تعرفه‌های بیش از ۴۰۰۰ قلم خط تعرفه	-	پاراف موافقتنامه اجرای حقوق مالکیت فکری میان چین و آمریکا	-
	عضویت ناظر چین در سازمان جهانی تجارت	-	-	-
۱۹۹۶	آغاز غیر رسمی مذاکرات چندجانبه الحاق چین به سازمان جهانی تجارت در ژنو	-	-	-
	اجازه قابلیت تبدیل پول رایج کشور در حساب جاری. این اجازه شامل قابلیت تبدیل حساب سرمایه نشد اما هنوز کنترل سرمایه وجود داشت.	-	مالکیت عمومی برای شرکت‌های سهامی با سرمایه‌گذاری چندین مالک بازتعریف شد	-
۱۹۹۷	انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه دسترسی به بازار برای ورود چین به سازمان جهانی تجارت با زلاندنو، جمهوری کره، مجارستان، چک اسلواکی و پاکستان و نهایی شدن این مذاکرات با کشورهای شیلی، کلمبیا، آرژانتین و هند	توافق چین مبنی بر زمان‌بندی انحصار تجاری و اعطای حقوق کامل تجاری به همه چینی‌ها و اشخاص حقیقی خارجی و شرکت‌ها از سه سال پس از الحاق	موافقت چین مبنی بر اجرای کامل موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری بلافاصله پس از الحاق	-
	انعقاد موافقت‌نامه دوجانبه کالایی با ژاپن	-	-	-
۱۹۹۸	ارائه پیشنهادات جدید چین درخصوص آزادسازی تعرفه‌ها و خدمات	-	-	مالکیت خصوصی و حاکمیت قانون رسمیت یافت. این امر موجب شد تا کسب‌وکار خصوصی و بخش دولتی در جایگاه برابر

دوره زمانی	سیاست تجاری	سیاست صنعتی	سیاست فناوری	راهبری نیروی کار / بنگاه
				قرار گیرند.
۱۹۹۹	انعقاد موافقت‌نامه دوجانبه آزادسازی خدمات با ژاپن	-	-	-
	انعقاد موافقت‌نامه دوجانبه با آمریکا در خصوص شرایط الحاق چین	-	-	-
	انعقاد موافقت‌نامه دوجانبه با کانادا	-	-	-
	نهایی شدن مذاکرات با اتحادیه اروپا. عمده تعهدات بازگشایی بازار از سال ۲۰۰۵ اجرایی خواهد شد.	-	-	-
	اعطای رابطه عادی دائمی تجاری [۱۵] از سوی آمریکا به چین = وضعیت رفتار دوله کامله الوداد	-	-	-
۲۰۰۱	عضویت رسمی چین در سازمان جهانی تجارت	-	-	-

Source: Qian (1999) and others

مقاله به بحث در خصوص ضرورت نگرش یکپارچه به نظام ملی کسب‌وکار برای درک تأثیرات الحاق به سازمان جهانی تجارت بر رقابت‌پذیری بین‌المللی کشور می‌پردازد. تجربه کشورهای ملحق شده و به ویژه تجربه چین نشان می‌دهد که توالی مناسب اصلاحات ملی و گشایش سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به ساخت یک نظام ملی کسب‌وکار رقابت‌پذیر کمک کند. رویکرد چینی‌ها در مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت ثابت می‌کند که مذاکرات طولانی مدت و استفاده از دوره‌های انتقالی تعهدات الحاق، برای ایجاد نظام ملی کسب‌وکار که در سطح بین‌المللی نیز موجب رقابت‌پذیری باشد، می‌تواند رویکرد سازنده‌ای باشد. در واقع در خلال فرآیند طولانی مذاکرات، چین توانست سیاست‌های تجاری، صنعتی و فناوری خود را به بهترین شکل ممکن هماهنگ سازد. همچنین توانست در پروتکل نهایی الحاق، امتیازات مهمی را در زمینه کسب دوره‌های انتقالی بلندمدت کسب کند. سیاست‌های اصلاحات اقتصادی چین و مذاکرات این کشور برای الحاق به سازمان جهانی تجارت کاملاً با یکدیگر هماهنگ بودند. چین حتی زمانی که به دنبال ادغام در نظام اقتصاد جهانی بود سیاست‌های نظام‌مندی را برای تقویت تجارت داخلی خود اعمال کرد.

در این مقاله فرض بر آن است که برای عضویت در سازمان

بدون شک از زمان آغاز مذاکرات چین برای ورود به سازمان جهانی تجارت تاکنون تحولات زیادی در جهان رخ داده است و نمی‌توان انتظار داشت رویکرد کشوری مانند چین را بدون دخل و تصرف اجرا نمود. لذا ضرورت دارد سیاست‌گذاران تجاری کشور با بهره‌گیری از تجارب موجود و تحلیل شرایط فعلی جهان نظرات جدید را برای بکارگیری در مذاکرات الحاق لحاظ کنند. آنچه اهمیت دارد آن است که ایران نیز همچون چین نیازهای نظام کسب‌وکار در سطح ملی خود را شناسایی و در فرآیند و زمان‌بندی مذاکرات و توالی ماهرانه اصلاحات داخلی و مذاکرات خارجی برای افزایش رقابت‌پذیری و آماده‌سازی کشور جهت رقابت بین‌المللی به کار گیرد. وظیفه سیاست‌گذاران درک روشن از شرایطی است که کشور متقاضی در آغاز ورود به مذاکرات الحاق احراز می‌نماید چرا که شرایط مزبور می‌تواند گزینه‌های او را در خلال مذاکرات آتی محدود نماید. لذا آمادگی‌های پیشینی برای ورود به مذاکرات الحاق بسیار حائز اهمیت است.

جمع‌بندی و ملاحظات

عضویت در سازمان جهانی تجارت ابزاری برای هدف مهمتر در اقتصاد یعنی "افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی" می‌باشد. این

12. Okimoto (1989).
13. http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/china_e.htm
14. Qian (1999).
15. Permanent Normal Trade Relations (PNTR)

منابع

ارباب، حمید رضا «نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل»
نشر نی، ۱۳۷۶.

بیدآبادی، بیژن و طبری، فتحیه «سازمان تجارت جهانی و الحاق
ایران: پیش‌نیازهای اصلاح ساختار اقتصاد کشور، ۱۳۸۴.

گروه نویسندگان، سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و
موافقت‌نامه‌ها، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵

Global Competitiveness Report (2013-2014).

Maurice, M., Sellier, F., and Silvestre, J-J, 1986
The social foundations of industrial power: A
comparison of France and Germany.
Cambridge, MA: MIT Press.

Michael E. Porter, Building the Microeconomic
Foundations of Prosperity: Findings from the
Microeconomic Competitiveness Index , Global
Competitiveness Report 2002-2003.

Okimoto, D.I., Between MITI and the Market:
Japanese Industrial Policy for High Technology,
Stanford, CA: Stanford University Press, 1989.

Qian, Y., The Process of China's Market
Transition: The Evolutionary, Historical, and
Comparative Perspectives, in China's Deep
Reform: Domestic Politics in Transition, edited
by L.Dittmer and G.Liu.Lanham, 1999.

Richard Whitley, Business Systems and
Organizational Capabilities . The Institutional
Structuring of Competitive Competences.
Oxford, Oxford University Press, 2007.

Thatcher M., Downing Street Years, New York:
HarperCollins, http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/china_e.htm, 1995.

جهانی تجارت و تبعیت از اقتصاد بازار و ساز و کارهای آن، بازار
نیازمند ابزارهای نهادی و ساز و کارهای سیاستی است تا نقش
موثرتری ایفا کند و در نهایت امکان بروز و رشد بنگاه‌های تجاری
و صنایع رقابت‌پذیر بین‌المللی فراهم آید. در واقع ایجاد نظام ملی
کسب‌وکار چیزی نیست جز یک رویکرد سیاستی برای حرکت
منسجم و هماهنگ سیاست‌های صنعتی، تجاری و فناوری در
جهت رقابت پذیر نمودن صنایع که البته رویکردی زمان بر است.
از این رو لازم است سیاستگذاران کشور به دنبال افزایش اتفاق
نظر ملی، تعیین جدول زمانی برای اصلاحات در سطح ملی،
ترغیب اعضای سازمان جهانی تجارت به امکان استفاده ایران از
فرآیند مذاکرات و دوره گذار در جهت ایجاد یک حرکت منظم به
سوی نظام جهانی باشند تا این امکان را برای بنگاه‌های تجاری
کشور فراهم آورند که به اوضاع خود سر و سامانی دهند. تغییرات
ساختاری که ممکن است در طول دوره انتقال در ایران اتفاق بیفتد
در کنار سایر مسائل، می‌تواند شرایط مناسبی برای کارآفرینی
منطقه‌ای ایجاد کند. به دیگر سخن ضروری است سیاستگذاران
تجاری کشور تعمق لازم را در خصوص تاثیر ورود ایران به سازمان
جهانی تجارت بر رقابت‌پذیری ملی داشته باشند تا اقتصاد کشور را
با استفاده از فرصت تحکیم نظام کسب‌وکار در سطح ملی برای
ورود به این سازمان آماده کنند.

پی‌نوشت

۱. ارباب (۱۳۷۶)، ص ۲۷.
۲. بیدآبادی و طبری (۱۳۸۴)، ص ۱۴.
3. Porter (2002-2003).
4. Global Competitiveness Report (2013-2014).
5. National Business System
6. Whitley (2007).
7. Corporate Governance
8. Labor Governance
9. Maurice, Sellier and Silvestre (1986).
۱۰. گروه نویسندگان (۱۳۸۵)، ص ۴۲.
11. Thatcher (1995).



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی